

واژه نامه حقوق اسلامی

فهرسی-انگلیسی

تالیف: دکتر حسین
میرمحمد صوفی

نقد دو فرهنگ

محمد علی طالقانی

واژه نامه حقوق اسلامی . میرمحمد صادقی . چاپ دوم: ۱۳۷۰ .
۲۰۰ص

فرهنگ اصطلاحات اسلامی . سید خادم حسین نقوی . قم ،
انتشارات انصاریان . ۲۸۸ص

یعنی فرهنگهایی که واژه های مربوط به یک مفهوم یا یک شیئی
در دو زبان متفاوت مثلاً عربی و فارسی ، فارسی و فرانسوی - را
برابر هم می نهند خود بر دو نوع هستند:

الف) فرهنگ های عمومی ، بیشتر فرهنگهای موجود در
هر زبان و از جمله در زبان فارسی از این نوع است . هدف از
تنظیم و تالیف این گونه فرهنگها آن است که واژه خارجی مقابل
واژه های زبان آشنا (معمولاً زبان مادری) را به دست دهیم تا هر
کس بخواهد از نوشته های به زبان خارجی بهره مند شود ، کمک
و دستیاری داشته باشد . برای نمونه می خواهیم بدانیم برابر
کلمه کتاب ، درخت ، دانش ، حمایت و مانند آن در زبان
انگلیسی چیست . برای تالیف این گونه فرهنگها مؤلف باید به
زبان مادری خود و نیز به زبان خارجی مورد نظر تسلط داشته
باشد . این بدان سبب است که مؤلف هیچ فرهنگی مدعی نیست
که تمامی کلمات فرهنگ خود را بداند . گفته شده است که در
تالیف یک کتاب به هر زبانی معمولاً بین پنج تا ده هزار کلمه به
کار می رود . بنابراین نویسنده یک فرهنگ دو زبانه انگلیسی -
فارسی که در فرهنگ خود بیست هزار واژه انگلیسی مقابل

در سالهای اخیر تحقیق در معارف اسلامی رونق گرفته
است و اقبال محققین به این بخش و چاپ کتب و مجلات متعدد
در این زمینه را باید مغتنم شمرد؛ مخصوصاً چاپ های جدید و
ویراستاری شده متون کهن که استفاده از آنها را برای دانشجویان
آسانتر می سازد . در زمینه متونی که به زبانهای عربی و فارسی
منتشر می شود در مجله معتبر آینه پژوهش نقدهای گرانقدر
فراوان است و نگارنده را با این بخش کاری نیست ، که ارباب
تحقیق به بهترین شیوه به نقد علمی آنها می پردازند و همگان را
رهین منت خویش می سازند . نگارنده این سطور با مختصر
آشنایی که در زمینه فرهنگنویسی دارد به نقد دو کتاب نامبرده
بالا می پردازد .
پیش از ورود به بحث باید گفت که فرهنگهای دو زبانه ،

واژگان فارسی را به دست داده است نمی تواند مدعی شود که حتی کلیه کلمات فارسی فرهنگ خود را بدانند. احاطه و تسلط اجمالی برای همین منظور است: یعنی شخص نخست فرهنگهای زبان مادری خود را مورد استفاده قرار می دهد و سپس از یک فرهنگ خارجی (مثلاً انگلیسی به انگلیسی) متناسب با تالیف خود استفاده و در واقع کلمات فرهنگ خارجی را با کمک فرهنگ خارجی (و تسلط اجمالی خود بر آن زبان) دریافته و در مقابل کلمات فارسی قرار می دهد. و نیز به همین سبب است که تهیه فرهنگهای مفصل چند جلدی توسط یک گروه انجام می گیرد. زیرا هیچ فردی بتنهایی نمی تواند تسلط اجمالی بر رشته های مختلف زبان و فرهنگ یک قوم داشته باشد. این گونه فرهنگها، حتی مفصل آنها، در هر صورت راهنمایی است برای کسی که می خواهد کتابی به آن زبان خارجی بخواند و یا احیاناً از آن زبان به زبان فارسی ترجمه کند. گهگاه گفته ها و ضرب المثلهای مناسب با کاربرد عمومی یک زبان نیز در این گونه فرهنگها آورده می شود. کوتاه سخن، فرهنگ عمومی فقط کاربرد عمومی دارد. از این رو اهل فن در ترجمه یک متن فنی از زبان خارجی به فارسی یا تهیه یک متن فنی به زبان خارجی نمی توانند از این گونه فرهنگها استفاده علمی کنند. زیرا کلمات تخصصی وارد در این فرهنگها همیشه مورد اعتماد نیست. نگاهی به فرهنگهای عمومی دو زبانه موجود در زبان فارسی بخوبی این موضوع را ثابت می کند.

ب) فرهنگهای تخصصی. تعداد این فرهنگها معمولاً بسیار کمتر از نوع فرهنگهای نخست است و بیشتر مورد استفاده اهل فن است و در صورتی که به نحو صحیحی تهیه شده باشند در موارد نیاز واقعاً کارساز و بسیار مفید است. برای تالیف این گونه فرهنگها احاطه اجمالی به یک زبان کافی نیست و مؤلف باید افزون بر احاطه اجمالی به دو زبان، در رشته مورد نظر در هر دو زبان به درجه استنباط علمی رسیده باشد. زیرا فرهنگ خود را برای کسانی تهیه می کند که در یک زبان به درجه تخصص رسیده اند و از کلمات، معانی اصطلاحی و تخصصی آن را درمی یابند و اکنون می خواهند اصطلاح یا کلمه اصطلاحی مقابل اصطلاح زبان مادری خود را بدانند. مثلاً کلمه «عقد» در فقه نه تنها معنی لغوی کلمه را به متخصص القاء می کند، بلکه مجموعه ای از مفاهیم و آثار و شرایط ناشی از

چنین نهادی را به ذهن او متبادر می سازد، که با آنچه یک آشنای به زبان عربی و یا یک عرب زبان از این کلمه می فهمد بسیار تفاوت دارد. پس مؤلف یک فرهنگ حقوقی نه تنها باید با تمامی ابعاد و بارهای اصطلاحی این کلمه در فقه و حقوق اسلامی آشنا باشد، بلکه با داشتن تخصص در زبان خارجی مورد نظر بتواند حتی المقدور برابر مقابل یا نزدیکترین کلمه مقابل آن را بیابد و در مقابل کلمه عقد قرار دهد. برای حصول این درجه از استنباط علمی شخص باید در رشته مورد نظر در محیط علمی آن ورزیده شده باشد و تبحری به دست آورده باشد و چون قصد کار علمی دارد، سپس تحقیق در آن رشته را پیوسته پیگیری باشد. با توجه به اینکه مؤلف یک فرهنگ تخصصی کار خود را برای استفاده اهل فن عرضه می دارد، ضوابط کارش بسیار دقیقتر از ضوابط کار فرهنگنویس عمومی است. گفته شده است اشتباهات یک فرهنگ تخصصی نباید بیش از دو و حداکثر سه در هزار باشد، وگرنه کار از اعتبار علمی می افتد. پس از ذکر این مقدمه مختصر اکنون بپردازیم به دو فرهنگ نامبرده بالا:

واژه نامه حقوق اسلامی، تالیف آقای دکتر میرمحمد

صادقی

روی هم رفته کوششی است برای کسانی که با مسایل حقوق اسلامی سروکار دارند و علاقه مندند که با برابری واژه های اسلامی آشنا شوند و احیاناً از آن در کار خود استفاده برند. این کتاب در هیات حاضر کمبودهایی دارد که بیشتر ناشی از شتابزدگی مؤلف در تهیه و تنظیم آن است. این کمبودها مختصراً به شرح زیر است:

۱- ترکیب حقوق اسلامی در عنوان کتاب ناظر بر آن است که محتوای کتاب با حقوق، و آن هم حقوق اسلامی، سروکار دارد، و بر همگان روشن است که منابع حقوق اسلامی بدو قرآن مجید و احادیث (بویژه احادیث ائمه اطهار علیهم السلام) است و این هر دو به زبان عربی است و هر تازه آشنای با مبادی این زبان می داند که حروف «پ»، «ز»، «گ» و «ج» در زبان عربی وجود ندارد. بنابراین آوردن چهار فصل تحت این چهار حرف از اعتبار این کتاب می کاهد، بویژه که مثلاً کلمه «ژاندارم» نه تنها حقوقی و اسلامی نیست، بلکه عربی و فارسی هم نیست. یا «پاداش»، یک کلمه فارسی است و کلمه حقوقی، آن هم حقوق اسلامی، نیست و از آن گذشته

کاسته است.

۴ - عدم توجه به ظرایف حقوقی. برای نمونه کلماتی که در مقابل افترا آمده است بیشتر جنبه تهمت و اتهام و آن هم به صورت شفاهی دارد، در حالی که افترا بیشتر دلالت بر همین کار به صورت مکتوب دارد و اصطلاح انگلیسی آن هم به غیر از آن چیزی است که در متن آمده. در مقابل «اخوه» نخست یک کلمه آورده شده است که بار کامل حقوقی اخوه را ندارد و سپس عبارت «برادران و خواهران» آمده است که بهتر بود اول آورده می شد و به نحوی تعریف دقیقتری می دادند و تعداد آنها را مشخص می ساختند. کلمه ای که در مقابل ارتشاء آمده است شامل رشاء و ارتشاء هر دو می شود و معنی رشوه بازی یا رشوه دادن و ستدن می دهد و با کمک فعلی یا عبارتی جنبه ارتشاء می گیرد. مقابل انگلیسی «اصل برائت (در امور مدنی)» چندان گویا نیست و در سطر بعد «اصل بر برائت است» از عبارات دیگری استفاده شده است که صحیح هم همین عبارات است. در مقابل دو اصطلاح «اصول محاکمات جزائی» و «اصول محاکمات مدنی» کلمه اصول عیناً در انگلیسی ترجمه شده است که در هیچکدام ضروری نیست. زیرا کلمه انگلیسی بعدی خود به معنای اصول محاکمات است، مگر اینکه قصد مجموعه قوانین محاکماتی (آئین دادرسی) باشد که در این صورت کلمه دیگری باید به کار برده می شد و نه ترجمه اصول. در مقابل اعار و افلاس هر دو یک کلمه انگلیسی آورده شده است، در حالی که بهتر بود در مقابل افلاس همان کلمه انگلیسی مقابل ورشکستگی آورده می شد! دومین کلمه انگلیسی مقابل افلاس در این مورد کاربردی ندارد و بهتر است حذف شود. در جمله انگلیسی مقابل «اقارب نسبی» گرچه معنی را می رساند، بهتر بود از همان ماده نسب و نسبی (بند دوم بالا) استفاده می شد. عبارت انگلیسی مقابل «اقدامات تامینیه» به وضوح حاضر بیشتر معنی «اقدامات امنیتی» می دهد. عبارت مورد نظر از همین ماده، ولی به شکل دیگری ساخته می شود. آنچه گذشت محصول تورقی است در بخش «الف» این واژه نامه و این روال در بخشهای دیگر هم جریان دارد. افزون بر چند نکته بالا، چند نکته عمومی نیز شایسته یادآوری است:

الف - پاره ای عبارات این واژه نامه جنبه حقوقی دارد، ولی به معنی دقیق کلمه از اصطلاحات «اسلامی» یا «حقوق

کلمه گمرک، ذیل «گ» کلمه ای است ظاهراً پرتغالی و باز هم حقوقی نیست و اسلامی نیست و قس علی هذا تمامی کلمات ذیل این حروف.

۲ - ضبط پاره ای از کلمات از دقت علمی برخوردار نیست. مثلاً آنچه در مقابل کلمه «ابی» در ارب آمده است، این معنی را نمی رساند، بلکه به معنی «نسبی» است و آنچه در صفحه ۱۸۵ ذیل نسبی آمده است، بدان معنی نیست و «نسب» معنی می دهد و مؤلف خود بدون توجه پس از نسبی نوشته است «خویشاوندی».

۳ - ترتیب عبارات مراعات نشده و این موضوع گاهی به صحت پاره ای برابرها صدمه زده است. قاعده بر این است که هرگاه عبارت فارسی بیش از یک معادل در زبان خارجی داشته باشد، معادل اقرب به مفهوم فارسی نخست می آید و سپس معادل دوم، همین طور است در زبان فارسی هرگاه دو معادل در مقابل یک اصطلاح خارجی داشته باشیم. برای نمونه، پس از «اخفاء مال مسروقه» بین الهالین آمده است: «مداخله در اموال مسروقه». و این بین الهالین برابر صحیح عبارت انگلیسی است، نه «اخفاء مال مسروقه»! همچنین است «اخلاق حسنه» (اخلاق عمومی) که باز هم عبارت انگلیسی معادل فارسی بین الهالین است. این ترتیب ذیل «ادعا» مراعات شده است، زیرا از دو معادل انگلیسی داده شده، کلمه نخست معادل اقرب است! همچنین است سه معادل انگلیسی کلمه «استیجار» که ترتیب منطقی در آنها مراعات شده است. ولی در مقابل «اختلال مشاعر» مؤلف سه برابر انگلیسی آورده اند که سومی اقرب به مفهوم «اختلال مشاعر» است و باید اول می آوردند، و دومی امروزه رایج تر است و اولی را می باید در رده سوم می گذاردند. همچنین در صفحه ۷۵، دو کلمه «روحانیت - روحانیون» در مقابل یک کلمه انگلیسی آمده است که این کلمه انگلیسی برابر است با معادل دوم فارسی و کلمه اول فارسی به هیچ وجه معنی کلمه انگلیسی را نمی دهد. زیرا کلمه انگلیسی اسم جمع است برای اعضای کلیسا و نه حال و مقام منتسب به روح و در آن مورد صحیح هم بهتر بود می نوشتند «علمای دینی». همین طور است در عبارت «اشغالی (اراضی)» که در مقابل عبارت انگلیسی «اراضی اشغالی» آمده است و نیازی به بین الهالین ندارد و فقط صفت و موصوف جای یکدیگر را گرفته و از دقت عبارت فارسی

به زبان عربی بیان شده است، و چون «برگرداندن اصطلاحات دقیق و ظریف اسلامی (از زبان های عربی و فارسی) به زبان انگلیسی کار ساده ای نیست ... بلکه مستلزم تلاش فراوان ... متخصصان مسلط به هر دو زبان و آشنای به معارف اسلام است ...»، ایشان قدم اول را برداشته اند تا شاید کمکی، ولو جزئی، به نویسندگان، مترجمان، ادیتورها (مقصود ویراستاران است) نموده باشند. عبارات مزبور باعث سرور کلی شد و امیدواری به اینکه کمکی باشد خوانندگان را. متأسفانه پس از تورق مقدمه و اوایل کتاب سرور زایل شد و امیدواری باطل از آب درآمد. آقای مهندس نقوی نه متخصص مسلط به هر دو زبان (بلکه سه زبان) است و نه آشنای به معارف اسلامی. کشکولی ساخته است از مطالب مختلف و ظاهراً بیشتر برگرفته از کتب عادی و یا روزنامه ها و به کتب مرجع دسترسی نداشته است. نقد این اثر به علت طبع خاص آن نیاز به کتابی مستقل دارد و فعلاً مقدر نیست. به هر حال با وجود آنکه خود معترفند معارف آسمانی و اسلام به زبان عربی بیان شده است (و همین معنی ذیل «اصطلاحات اسلامی» صحیح است و لاغیر)، مع ذلک بلافاصله تغییر رأی داده و برگرداندن «اصطلاحات دقیق و ظریف اسلامی از زبان های عربی و فارسی را که کار ساده این نیست» در پیش گرفته اند. به هر حال، ماییم و مجموعه ای تحت «عنوان فرهنگ اصطلاحات اسلامی»، و وظیفه علمی حکم می کند نقدی هر چند مختصر و از نظر تذکر فراهم آید. برای سهولت کار نقد حاضر را تحت سه عنوان، نقد بر مقدمه، نقد بخش عربی و نقد بخش فارسی، تنظیم کرده ایم.

(۱) مقدمه: در بند دوم از مقدمه، مؤلف چند کلمه انگلیسی را برای مثال آورده اند که به نظر ایشان معادل درست اصطلاح اسلامی نیست. در واقع برخورد با این کلمات علت وجودی تنظیم کتاب حاضر است. در همین چند مورد آنچه درست نیست نظر و اعتراض ایشان است. نخست باید گفت اصطلاح کلمه ای است که علاوه بر بار لغوی، معانی و مفاهیم دیگری را نیز در رشته بخصوصی همراه دارد. در فرهنگ تخصصی دو زبانه یک اصطلاح باید تحقیقاً - یا لاقلاً تقریباً در مواردی - معادل کلمه مقابل خود در زبان دیگر باشد. اصطلاح چون بار علم بخصوصی را بر دوش دارد قابل «برگرداندن» و ترجمه نیست. یافتن اصطلاح معادل در زبان دوم - مثلاً

اسلامی» نیست. مانند «ابلاغ» و چندین عبارت ذیل همین کلمه؛ «ابن»؛ «اتاق تهاتر (بین بانکها)»؛ «اتاق بازرگانی و صنایع و معادن»؛ «اتفاق»؛ «اثر انگشت»؛ «اجتماع (جامعه)»؛ «اجنبی»؛ «اختلاف»؛ «اخراج از شغل» و بسیاری دیگر.

ب - پاره ای از عبارات کامل نیست و نیاز به تکمله دارد تا معنی را برساند. مانند «اثنی عشری که کلمه انگلیسی مقابل آن ترجمه است به معنی «دوازدهی» و سپس به انگلیسی توضیح داده اند که «فرقه بزرگ مسلمانان شیعه». در واقع مقابل انگلیسی «شیعه دوازده امامی» آن باید می شد. به هر حال توضیح انگلیسی ایشان هم خالی از اشکال نیست. زیرا شیعه اثنی عشری از مذاهب بزرگ اسلام است، نه فقط در میان شیعیان. وانگهی شیعه مذهبی است از مذاهب اسلامی و نه فرق (sect). این کلمه اخیراً پاره ای از نویسندگان مغرض فرنگی با توجه به پس زمینه مسیحی آن رایج کرده اند و باید از به کار بردن آن پرهیز کرد. در این مورد خاص و برای اینکه بدانم کلمه شیعه نیفتاده باشد به حرف «ش» رجوع شد. مقابل کلمه شیعه آورده اند: «گروه» که صحیح نیست هر چند سپس توضیح داده اند، در حالی که مقابل صحیح آن در برابر کلمه «شیعی» آمده است، هر چند در مرتبه دوم، ولی در این دو مورد هم از کلمه «فرقه» استفاده کرده اند.

نکته ای هم هست در عنوان کتاب «واژه نامه»، نامه یا کتابی است حاوی واژه ها یا کلمه ها به طور اعم و نه اصطلاحات. از این گذشته رابطه صفت و موصوف باید هماهنگ باشد و واژه نامه یا عبارت سنتی جا افتاده و سنگین «حقوق اسلامی» هماهنگ نیست. بهتر است عنوان کتاب بشود فرهنگ یا (قاموس) اصطلاحات حقوق اسلامی.

واژه نامه حقوق اسلامی در هیات حاضر روی هم رفته کوششی است شایان تأمل برای کسانی که بخواهند با اصطلاحات حقوق اسلامی آشنا شوند و برای آنکه مفید به حال متخصصین فن نیز بشود ویراستاری کامل شود.



فرهنگ اصطلاحات اسلامی، تألیف مهندس سیدخادم حسین نقوی، عنوان مناسبی دارد. در پیشگفتار کتاب آمده است: از آنجا که تمامی معارف و حقایق زیبا و آسمانی اسلام

آشنایی اجمالی یا کامل دارد، ولی می‌خواهد به زبان اهل فن بنویسد یا سخن بگوید و معادل و ضور را نمی‌داند. چنین شخصی به فرهنگ اصطلاحات رجوع می‌کند و مطلوب خود را می‌یابد و سهولت به کار می‌برد. پس استدلال آقای نقوی درست نیست؛ زیرا وی معادل بهتری به دست نداده است، بلکه به جای یافتن معادل «احیاناً» بهتر، آن را توضیح داده‌اند. حال بنگریم به متن فرهنگ ایشان و ببینیم در مقابل کلمه وضو چه گفته‌اند. در مقابل کلمه «وضوء» در صفحه ۲۶۸ آمده است: «ablution رسمی یا قانونی (مقصود با تشریفات خاص) - بر طبق شریعت اسلام، یکی از مقدمات ضروری ذکر صلاة». در این جمله کلمه رسمی یا قانونی (همان تشریفات رسمی مخصوص به وضو) در وصف کلمه انگلیسی حشو قبیح است. زیرا این قید در ذات کلمه ablution وجود دارد. بقیه جمله توضیح است و نمی‌توان آن را معادل اصطلاحی دانست. در ضمن در میان جمله انگلیسی کلمه «صلوة» را به همین هیات و تلفظ به حروف لاتینی نوشته‌اند. معلوم نیست تکلیف خواننده یا شنونده انگلیسی با این کلمه چیست! این گونه انگلیسی نویسی را انگلیسی زبانان Pidgin English می‌نامند که مخصوص است به خارجیانی که با زبان انگلیسی آشنایی کامل ندارند و هرگاه در بیان مقصود به زبان انگلیسی در می‌مانند، همان کلمه زبان مادری یا بومی خود را در وسط جمله یا عبارت انگلیسی می‌آورند. پس تنها کلمه‌ای در این جمله که معادل وضو است، همان ablution است که اهل فن بکار می‌برند و پس از آن همه استدلال خنک، مؤلف حاضر خود را ناچار از به کار بردن آن یافته است.

ب- دومین اصطلاح رایج که مورد اعتراض مؤلف قرار گرفته اصطلاح prayer در مقابل صلوة است. مؤلف می‌نویسد: «صلوة»، «دعا» یا «تقاضا» نیست، ما هم موافقیم، ولی کلمه مزبور در حالت اصطلاحی به این دو معنی نیست. این دو معنی در حالت اسمی این کلمه وجود ندارد، بلکه در معنای فعلی کلمه (که شکل دیگری دارد) وجود دارد و آن هم محدود به این دو معنی نیست. در حالت اسمی و به صورت ترکیبی (عیناً مانند نماز خواندن یا نمازگزاردن یا ادای صلوة) این اصطلاح با فعل معین به کار می‌رود و دقیقاً معنی نماز می‌دهد. انگلیسی‌های مسلمان هم این اصطلاح را در همین مورد به کار می‌برند. این کلمه در فرهنگ عمومی آکسفورد هم

انگلیسی- نیازمند مطالعه در متون مربوط به همان علم یا فن در آن زبان است. مثلاً برای یافتن معادل‌های اصطلاحات اسلامی در زبان انگلیسی، مؤلف، که باید متخصص هم باشد، باید کتب اسلام‌شناسی انگلیسی را مطالعه کند و چون فرهنگ تخصصی برای متخصصین نوشته می‌شود مؤلف باید از کتابهای عمده برجستگان اسلام‌شناس انگلیسی استفاده کند نه از آثار هر کسی که به زبان انگلیسی می‌نویسد، یا از آثار هر انگلیسی دانی که با زبان عربی آشناست. برای نمونه در بحث اصطلاحات قرآنی باید به کتابهای پرفسور آبروی رجوع کند. برای اصطلاحات ادبی به آثار پرفسور براون، برای تحقیق در مسائل اصول و فقه شافعی به کارهای پرفسور شاخت، در مورد تاریخ و فرهنگ عمومی اسلامی به کارهای پرفسور وات و پرفسور گیوم، در مورد اصطلاحات عرفانی به کارهای پرفسور نیکلسون و گهگاه به دایرة المعارف اسلامی. حال برسیم به چند اصطلاح انگلیسی که به نظر ایشان درست نبوده است:

الف- مؤلف گمان برده است که کلمه ablution به معنی شستشو است و در نتیجه معادل خوبی برای وضو نیست، در حالی که حتی مراجعه به فرهنگهای عمومی انگلیسی نشان می‌دهد که معنی این کلمه شستشوی با تشریفات خاص (یعنی مذهبی) است. (ر. ک: فرهنگ آکسفورد). در فرهنگ عمومی وبستر در مقابل ablution می‌نویسد: «شستشوی بدن یا بخشی از آن چنانکه در مراسم دینی صورت می‌گیرد». پس چنانکه ملاحظه می‌شود، این کلمه از نظر لغوی معادل تقریبی (و از نظر اصطلاحی معادل تحقیقی) وضو است. آقای نقوی (به عنوان یکی از دلایل تهیه کتاب حاضر) می‌نویسد این کلمه معادل وضو نیست و استدلال می‌کند که «وضوء یکی از مقدمات ضروری اولیه در شرع اسلام جهت انجام فریضة صلاة به شیوه‌ای خاص انجام شود». صرف‌نظر از اینکه این جمله از نظر دستور زبان فارسی درست نیست، بروشنی نشان می‌دهد که نامبرده با هدف و غرض از فرهنگ تخصصی دو زبانه آشنا نیست و یافتن معادل خارجی یک اصطلاح را با توضیح آن اصطلاح اشتباه گرفته است. توضیح یک اصطلاح مخصوص است به فرهنگهای یک زبانه. در فرهنگ اصطلاحات دو زبانه، آن هم اگر به ترتیب حروف عربی تهیه شده باشد، فرض بر آن است که خواننده معنی اصطلاحی وضو، را می‌داند و با زبان دوم (مثلاً انگلیسی)

به همین معنی آمده است. ظاهراً مؤلف بین حالت فعلی این کلمه و هیات اسمی آن تفاوتی ننهاد و یا از کاربرد این کلمه در نمازهای کلیسایی (که حرکات آن عیناً مانند نماز ما نیست، هر چند ذیل آداب مربوط به همین کلمه در آداب کلیسا هم قیام و قعود و رکوع وجود دارد) به اشتباه افتاده است. در مقابل کلمه «صلوة» هم اگر چه توضیحاتی داده اند (ص ۱۵۴) مع ذلک همین کلمه را هم به کار برده اند. ظاهراً مؤلف با طرز نوشته های انگلیسی اهالی شبه قاره آشنائی دارد. زیرا ذیل مخفف کلمه «صلوات اله علیه» آورده است S.A که حروف اول کلمه عربی «صلوات» و «علیه» است و در نزد انگلیسیها به هیچ وجه شناخته نیست و معنایی ندارد. در همین صفحه در مقابل کلمه حضرت آدم هم برای «علیه السلام» آورده است A.S. که باز حروف اول «علیه» و «سلام» است و یک انگلیسی از آن چیزی در نمی یابد. زیرا این دو کلمه انگلیسی نیست تا وی معنی آن را بدانند. در نوشته های معتبر برای این دو اصطلاح معادل های رسمی وجود دارد که مؤلف ظاهراً با آنها آشنا نیست. در مقابل کلمه الاتصال باله، که معادل صحیحی است هم به جای سبحانه و تعالی نوشته اند S.W.T، که حروف اول «سبحان»، «و» و «تعالی» است و برای خواننده انگلیسی به هیچ وجه معنی ندارد.

ج - دو اصطلاح دیگر «غسل» و «زکاة» است که معتقدند برابر اصطلاحات یا بهتر بگوییم کلمات Bath و poor - rate نیست. کلامی است درست و ما هم بر همین اعتقادیم، ولی غسل و زکوة در زبان انگلیسی اصطلاحات مخصوص خود را دارند که ظاهراً مؤلف با آنها آشنا نیست و کلمات انگلیسی ای که به کار برده از نوع کلماتی است که معمولاً در روزنامه ها و یا جزوه های تهیه شده توسط افراد ناوارد به کار می رود. عجیب است که مؤلف مدعی است «شش سال مطالعه و تحقیق مداوم» برای این کار کرده و نیز «ترجمه و ادیت تعداد زیادی مقالات و بیش از ۵۰ کتاب اسلامی» را عهده دار بوده است و باز در مراحل نخست کارهای تحقیقاتی دو دلی و تردیدهایی نشان می دهد که با شیوة کار فرهنگنویسی علمی سازگار نیست. ظاهراً مؤلف در آثار بزرگان از اسلامشناسان مطالعه کافی نداشته است.

(۲) بخش کلمات عربی: بخش کلمات و اصطلاحات عربی که معادل انگلیسی آن را به دست داده اند، با عنوان

کتاب، یعنی «فرهنگ اصطلاحات اسلامی» مطابقت دارد. این بخش قریب ثلث کتاب را در بر می گیرد. البته نباید تصور کرد که این کتاب در دو بخش است، بلکه مقصود ما از بخش کلمات عربی مجموعه کلمات و اصطلاحات عربی است که بر حسب ترتیب الفبائی در میان سایر کلمات قرار دارد. تعداد زیادی از این کلمات اصطلاحات درست و بقاعده است و حاکی از آن است که در این گونه موارد مؤلف با کتب مرجع آشنائی داشته است. از این دست است «آیات متشابهات»، «آیات محکّمات» و «اتصال باله» و پاره ای دیگر، که دو اصطلاح نخست به احتمال بسیار از ترجمه های خوب قرآن برگرفته شده است و کار بسیار نیکویی است و نمونه کار تحقیقی تواند بود. ای کاش مؤلف به حجم کار نمی اندیشید و تمامی کار حاضر را بر همین ترتیب آماده و فراهم می کرد. به هر حال، در این کلمات عربی هم به نکته های زیر توجه باید داشت.

الف - پاره ای اصطلاحات ترجمه تحت اللفظی شده که برای یک نفر انگلیسی زبان مفهوم نیست. برای نمونه «آب مضاف» که ترجمه انگلیسی آن را که به دست داده اند تقریباً می شود «آب افزوده» و هیچگونه معنای بخصوصی در زبان انگلیسی ندارد. در «آب مطلق»، مطلق را عیناً ترجمه کرده اند و در نتیجه در انگلیسی مقصودی را نمی رساند (هر چند بلافاصله عبارت دیگری را به کار گرفته اند که صحیح است و حق بود همان را می نوشتند و کافی بود). همچنین است «آب حیات» که ظاهراً برابر انگلیسی آن را نمی دانسته اند و در نتیجه ترجمه ای کرده اند که تقریباً می شود «آب جاودانگی» که در زبان انگلیسی معنی و مفهوم روشنی ندارد. همین طور است مقابل کلمه اجاره که در معنی سوم به انگلیسی نوشته اند: رسید پول خواندن صلوات (کذا) و انجام صیام (کذا)، که این دو کلمه نزد انگلیسیان مفهومی ندارد.

ب - بسیاری از آنچه را آورده اند در واقع اصطلاح نیست و از اعلام است (و تقریباً یک چهارم کتاب را در بر می گیرد) که می بایستی به صورت ضمیمه بیاورند. از آن جمله است آسیا، آسیه، آصف بن برخیا (که ترجمه کرده اند نخست وزیر سلیمان، که خیلی امروزی است و یادآور هیات وزیران. حق بود در کتاب های عهد عتیق و دیگر کتابهای مربوط به آن دوره عنوان صحیح را می یافتند)، آل عمران، آل محمد (ص)، اباضیه، ابن باجه، ابن رشد، ابن سینا و بسیاری دیگر. اغلب اینها

هیچیک جنبه اصطلاحی (تا چه رسد به اصطلاح اسلامی) ندارد. من فقط به چند صفحه اول ذیل حرف «الف» پرداخته‌ام و پاره‌ای کلمات کاملاً بی‌ربط را نیز یادداشت کرده‌ام: آچار (ترکی)، آرنج؛ آمیزش؛ آلیاژ (فرانسوی)، ابر قدرت، اتا زونی (فرانسوی) و به معنی ممالک متحده آمریکا). دوستانی که کتاب را به تورق بیشتر گرفتند چند کلمه دیگر را یادآور شدند؛ از جمله: اسلامبول (که در مقابل آن نوشته‌اند قسطنطنیه؛ و بدین ترتیب کل زحمات و جهاد سلطان محمدفتح به نام اسلام را به باد داده‌اند)؛ امپریالیست؛ انگل؛ باردار؛ بزکوهی؛ بهائیت؛ بیل؛ تابلو؛ تپانچه؛ تیشه؛ چماق؛ چینه‌دان؛ خاکه؛ خال؛ خاویار؛ خبرگزاری؛ خواهران؛ خوشگل؛ دیوث؛ رختشویی؛ رژه؛ زباله؛ زنبور؛ زورخانه؛ ژاندارمری (فرانسوی)؛ ژیمناستیک؛ سربریده؛ سردمداران (معنی کرده‌اند: امپریالیستها)؛ سفت؛ سگ ماهی؛ سماور (روسی)؛ شانس (فرانسوی)؛ شترمرغ؛ شترنج؛ شلاق؛ شیک (فرانسوی)؛ طشت؛ عمده فروشی؛ فاشیسم؛ فراماسون؛ فربه؛ فشفشه؛ فلک زده؛ قاچاق (ترکی)، قلابی؛ قوچ؛ کاتالوگ (فرانسوی)؛ گارد؛ گاو میش؛ گردو؛ گنجشک؛ لاک پشت؛ سخت؛ لگد؛ مویز؛ میهن؛ نگهبان؛ وتو؛ هخامنشی؛ همسر؛ یادگار و امثال اینها.

روی هم رفته این کتاب نمی‌تواند عنوان «فرهنگ اصطلاحات اسلامی» داشته باشد. چنین عنوان گمراه کننده است و ممکن است پاره‌ای از خوانندگان غیر مسلمان گمان کنند که چماق، گنجشک، لگد، ژاندارم و امثال اینها جزء اصطلاحات اسلامی است. بهتر بود نام آن را «قاموس اطلاعات عمومی» یا «مجموعه اطلاعات مفید». می‌گذاشتند.

در خاتمه گلایه‌ای هم هست از ناشر؛ ممکن است ناشر با نوشته‌های انگلیسی چندان آشنایی نداشته و آنها را قبول کرده است، ولی کلمات فارسی و مخصوصاً کلمات نابهنجار آن را می‌توانستند با یک بار خواندن دریابند و حذف کنند و در این کمبود کاغذ و در حالی که کارهای اصیل اسلامی به زبان انگلیسی به روی دست مؤلفین مانده است این همه کاغذ را صرف کارهای کم ارزش نمی‌کردند.

صحیح است و اگر در ضمیمه می‌آمد بهتر بود. در مقابل این ملجم (که چون ارزشی نداشته در زبانهای اروپائی هم وارد نشده است) نوشته‌اند «قاتل امام علی (ع) که خواننده انگلیسی ممکن است تصور کند این کلمات معنی این ملجم است. لزومی به درج نام این شخص کثیف نبود و اگر اصرار در درج نام او را داشتند بهتر بود می‌نوشتند یا ترجمه می‌کردند «نام قاتل امام علی (ع)».

ج- بسیاری از کلمات عربی مندرج در کتاب جنبه «اسلامی» یا «اصطلاح اسلامی» ندارد. فقط کلمات عربی است. از این جمله است: آدمیت؛ ابتدال؛ ابتکار؛ ابراز؛ ابعاد؛ احاطه؛ احاله؛ احترام؛ احتیاج؛ احیاناً و بسیاری دیگر که برای پرهیز از طول کلام از نام بردن آنها خودداری می‌شود. آنچه آمد نتیجه تورقی است در چندین صفحه نخست، ذیل حرف الف.

نکته دیگری هم که باید افزود جنبه ظرایف چاپی دارد، ولی مهم است. در مقابل پاره‌ای کلمات عربی و از جهات مختلف کاربردی کلمه، برابریهای انگلیسی متعددی وجود دارد. در این موارد بهتر بود آنها را با علامت ویرگول نقطه جدا می‌کردند. در حال حاضر این جدایی با علامت ویرگول نشان داده شده است که با توجه به طول پاره‌ای برابرها چندان روشن نیست و خواننده ممکن است آن را ادامه برابر قبلی بداند. در ضبط تلفظ بعضی کلمات عربی اشتباهاتی دیده شد. ترجمه پاره‌ای کلمات هم خالی از اشکال نیست. شاید بتوان گفت این قسمت برای مسلمانان شبه قاره مفید است.

۳- بخش کلمات فارسی: این بخش نیز مستقل نیست و به ترتیب حروف الفبائی در میان کلمات عربی، اصطلاحات اسلامی و اعلام آمده است و علاوه بر اینکه در فرهنگ اصطلاحات اسلامی کاملاً نابجا و بی‌ربط است حدود نیمی از کتاب را در برمی‌گیرد. تمامی این کلمات در فرهنگهای معمولی موجود است و هیچ نیازی (جز افزودن بر حجم کتاب) برای آوردن آنها نبود. برای نمونه در صفحه اول کتاب، کلمات زیر آمده است: آب و تاب؛ آب و هوا؛ آتش بس؛ آتش پرست؛ آچار؛ آدم کشی؛ آرام بخش. در همین صفحه از نوزده کلمه ضبط شده شش کلمه ذیل آب و هشت کلمه به تقریر فرق آمده است که اصطلاحات اسلامی نیستند. در صفحه دوم (صفحه ده کتاب) نیز از بیست کلمه ضبط شده پانزده کلمه فارسی است و

